

ناصر مکارم شیرازی

منتظران راستین در فساد محیط حل نمی‌شوند.

امید بگناهان مؤثر نیستی است

گاهی آنها فکر می‌کنند کارا را کار گذشته و دیگر آمدی برای اصلاح نیست. و تلاش و کوشش برای پاک نگه داشتن خویش بی‌بسیار بوده است، این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بگشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در

برابر اکثریت ناعالم حفظ کنند و همسرنگ حفاظت شدن را موجب رسوائی نداند.

بدمدت و به معاومت و خویشش داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهائی است. تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح دیگران برخواهند داشت.

و اگر می‌بینیم دستورات اسلامی یأس

در اس سلسله بحثها تاکنون دو قسمت از فلسفه‌های انتظار ظهور مصاح بزرگ جهانیستی یعنی:

تأثیر انتظار در خود ساریهای فردی. و تأثیر انتظار در خود ساریهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

ولی اثر سازنده این انتظار منحصراً به اینها نیست، اثر مهم دیگری نیز دارد که دیلا از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. و آن حل شدن در طاعت محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیهاست.

توضیح اینکه: هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و اکثریت و یا جمع کثیری را متالودگی می‌کشد. گاهی افراد پاک، نزدیک بین نیست سخت روانی فرار می‌کنند. یعنی سستی که از یأس از اصلاحات سرچشمه می‌گیرد.

از آموزش را، یکی از بزرگترین گناهان شمرده است. همین دلیل است. ممکن است افراد باواری، تعجب کنند که چرا باین از رحمت خدا این قدر مهم تلقی شده چهتر از بسیاری از گناهان، اما فلسفه‌اش در حقیقت همین است که "گاهگار مابوس از رحمت" هیچ "دلیلی نمی‌بیند که بفرنگ حیوان سفید و با لاف دست از ادامه گناه بردارد، مطلق او این است آما از سر من گذشته است، چه یک قامت چه صد قامت، می که رسوای جهانم عم دنیا هیچ است، بالا تراز ساهی، رنگ دگر ساند، آخرش چهیم است من که هم اکنون آبرا برای خود خریده ام، دیگر از چه چیز می‌ترسم؟

ماهنگامی که رورنه امید برای او گشوده شود، امید به دفع پروردگار و امید به تعمیر وضع موجود، نقطه‌اعطالی در زندگی او پیدا می‌شود. چه شمار او را به توقف در مسیر گناه و بازگشت به سوی یاقی و اصلاح دعوت می‌نماید.

همین دلیل "امید" را می‌خوانیم همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، همچنین افراد صالحی که در محیط‌های فاسد گرفتارند بدون امید نمی‌توانند خویش را حفظ کنند.

سجده اینکه انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود، امید ظهورش بیشتر می‌گردد، اثر فراینده‌ی روانی در معتقدان دارد و آنها را در برابر امواج پررزمه فساد سیمه

XXXXXXXX

از مجموع بحثهای گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تحذیری انتظار شهادر مورقی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود - همانگونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده‌اند و جمعی از موافقان مسخ، اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و مردم بجاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تایید می‌کند، این است که در آیه **وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسُدَّ لَهُنَّ أَسْمَاءُ فِي الْأَرْضِ...** خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد، از ستوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور این آیه **هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ** مهدی و باران او هستند.



و در حدیث دیگری می‌خوانیم: **بَرَأَتِ فِي الْمَهْدِيِّ** "این آیه درباره مهدی (ع) خارق شده است"

در جایی که در این آیه مهدی و باران به عنوان **الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** "آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند" معرفی شده‌اند، بنابراین تحقق این املاط جهانی بدون یک ایمان مستحکم که هرگونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازد، و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نخواهد بود، و آنها که در انتظار چنین برنامه‌ای هستند، هم باید نگاه آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در

نتیجه اسلام و حمایت از تولیدات کشاورزی و صنعتی

صاحب فرمودند: یکی از سعیر ۱- مال و ثروت خلال که از دست‌برخ انسان بعمل آید ۲- ادب و معرفت کامل ۳- صنعت و حرفه‌ای که مایه تربیتی باشد ۴-

XXXXXX

ساز طبیعی و روشن است که افکندن مسئولیت شخصی به دوش دیگران و پرتاب جامعه به دوش شهادر، مورد تائید و تحسین‌های نیست بلکه متامل‌گانه بی‌مسئولیهایی است که امر از علمی و صنعتی و تجارتنی و غیره می‌شود.

اصلاح خویش و اعمال خود بگویند. تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند روند زندگی سعادت بخشنی در حکومت او به خود دهند، نه آنها که با ظلم و ستم‌کاری دارند، و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بگانه‌اند.

نه افراد ترسو و زبونی که برابر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می‌ترسند، و نه افراد سست و بی‌حالی و بی‌کارهایی که دست روی دست گذارده و در برابر مفاسد مصددرسدگی و مافاسدشان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند... آری انتظار رانین این است.

سلیمان صدر اسلام با شناخت و درک این عمل صالح و دستورها و مانگه به جنبه‌های عمل و سازندگی توانستند، در مدت کوتاه مثل امروزان علم، دانش و صنعت آبرور کردند و توانستند در آن عصر تاریک و جهل، مراکز علم و صنعت در سرزمینهای اسلامی پایه‌گذاری نمایند و توفیق پیشرفت‌های علمی و صنعتی و اختراعات صبت آنان گردد که در آنروز سر مردم اروپا و دیگر نقاط روی زمین محمول و ساخته بود.

۱۲- مستدرک آل‌مائل ج ۲ حدیث ۴ باب ۲ از ابواب مقدمات تجارت